

زمان سکوت نیست، فردا خیلی دیر است!

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه شهرستان شوش فریاد برمی دارند:

کارگریم، کارگر؛ گرسنه ایم، گرسنه!

امیرجوهری لنگرودی

نوزدهم مهرماه هشتاد و شش

کمتر کسی ایست که خود را درگیر اخبار اجتماعی - سیاسی و جنبش کارگری ایران بشناسد و این شعار را نشنیده باشد. با این همه اعتراض و تحسن کارگران ادامه دارد، چرا؟

به گزارش فعالان حقوق بشر از ایران، کارگران نیشکر هفت تپه در تاریخ ۱۷ مهر ۸۶ وارد دهمین روز تحسن خود شدند و بر روی خواسته های خود تاکید کردند و همچنان به مدیریت شرکت اعلام داشتند؛ تا به خواسته های خود نرسند دست از تحسن برنخواهند داشت. اگر به خواسته های آنها رسیدگی نشود با خانواده های خود به جاوی فرمانداری خواهند رفت و در آنجا دست به تحسن و اعتراض خواهند زد. در برابر مقاومت کارگران، فشارها و تهدیدات بر کارگران و فعالین کارگری به طرق مختلف ادامه دارد و نیروهای وزارت اطلاعات در ترفندهای جدید شان، فعالین کارگری را از محل کار خود به نقاط دور از شرکت برده می شوند تا آنها را از هم مجزا کنند و دست به سرکوب آنها بزنند. از جمله آنها آقای جلیل احمدی می باشد و همچنین بهزاد قصاب توفیقی - که ساکن دزفول است - وی را به اداره اطلاعات دزفول برده و او را تحت فشار و تهدید قرار داده اند که نباید در اعتراضات و تحصنها که برای رسیدن به خواسته های خود می باشد، شرکت کند. کارگران شرکت طرح نیشکر هفت تپه شهرستان شوش دانیال در استان خوزستان، به تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۸۶ (۷ اکتبر ۲۰۰۷) با ارسال دومین نامه خود به سازمان جهانی کار (آ.آ.ا.و)، سندیکاهای کارگری جهان و سازمانهای حقوق بشری، اعلام داشتند: «... ما کارگران نیز به دلیل این نحوه برخورد مسئولین که با بی تفاوتی به مشکلات نظر می کردند، اقدام به تحسن در مقابل فرمانداری شهرستان شوش که بالاترین نهاد و اداره حکومت در این شهر می باشد کردیم و اعلام نمودیم؛ تا رسیدن به خواسته های خود دست از تحسن بر نداشته و در صورتیکه تحسن پایان پذیرد بصورت مشروط خواهد بود. موقتا اگر در کوتاه مدت و در مهلت داده شده به نتیجه خاصی نرسیم، اقدام مجدد به تحسن کرده و حاضر به پرداخت هرگونه هزینه جهت رسیدن به حقوق خود هستیم....» در همین نامه دادخواهانه، سیزده محور خواسته های خود را بشرح زیر طرح کرده اند:

- ۱- حل مشکل بدهی شرکت که دولتی می باشد و دولت توان بخشش آن بدهیا را دارد.
- ۲- تضمین در خصوص اینکه شرکت با وضع موجود ورشکسته نمی شود.
- ۳- رها نکردن شرکت از نظر مالی توسط دولت.
- ۴- اصلاح سیاستهای به نفع دولت در خصوص صنعت شکر و شرکت، تقلیل تعرفه ی کمرگی، جلوگیری از

واردات بی رویهی شکر توسط بخش خصوصی و حتی دولت .

۵- اجرای طبقه بندی مشاغل پس از ۱۳ سال که هر ۴ سال یکبار باید مورد بازنگری قرار گیرد که متاسفانه مسکوت مانده است.

۶- رسمی کردن کارگران موقت .

۷- ارتقای شغلی کارگران شاغل.

۸- تشکیل سندیکای کارگری .

۹- واگذاری منازل شرکت که در اختیار نیروهای نظامی؛ اطلاعاتی، بانکی و آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی است .

۱۰- پرداخت به موقع حقوق کارگران.

۱۱- اجرای استانداردهای لازم در محل کار .

۱۲- اجرای طرح زیان آور با توجه به زیان آور بودن محل کار، بعضی از کارها در سطح شرکت.

۱۳- اصلاح نحوه دادن مزایا در خصوص سختی کار و بدی آب و هوا با توجه به دمای بالای ۵۰ درجه در محل کار و موارد دیگر.

دقت در خواسته های بر شمرده فوق، و بی تفاوتی مسئولان نسبت به آنان، ما را بر آن می دارد که پیشینه این مشکلات را با زشناسیم و دادخواهی کارگران شرکت نیشکر اهواز را همچون سایر تحرکات سرگوب شده کارگران ایران، به وسیع ترین شکل ممکن در سطح جهان برجسته سازیم.

مختصری در مورد کارخانه نیشکر هفت تپه:

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه خوزستان و کارخانه نیشکر هفت تپه، در سال ۱۳۳۹، یعنی در حدود ۴۷ سال پیش تا حال تاسیس شده و امروز زیر مجموعه وزارت جهاد کشاورزی است . این شرکت تاکنون توانسته نقش بسیار بالایی در تولید شکر ایران و انتقال تکنولوژی به سایر کشت و صنعت ها، ایفاء نماید. کارخانه با ظرفیتی بیش از صد هزار تن در سال، ۱۰ درصد شکر مورد نیاز کشور را تولید می کند. کشت و صنعت هفت تپه ۱۳۰۰۰ هکتار زمین زیرکشت و زمین های بسیار زیاد کشت نشده دارد . در این مساحت، سالانه بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تن شکر برداشت می شده است. تاسیس این شرکت، با همه محدودیت در تولید، اقتصاد شهرهای شوش، اندیمشک، دزفول، شوشتر، میانرود، حر ریاحی و شهرکهای اطراف مستقیماً به وجود آن بستگی دارد . بطوریکه تاکنون تاثیر گزارترین شرکت در اقتصاد شمال استان می باشد و تحول قابل توجه ای را در اقتصاد شمال استان خوزستان بوجود آورده است. خود کارگران در نامه پیشگفته به مقامات سازمان جهانی کار آورده اند: « ولی در حدود ۲ سال است به دلیل عدم حمایت دولت و واردات شکر و با اجرای شتاب زده و غیرکارشناسی اصل ۴۴ و سیاستهای غلط دولت، شرکت را با بحران مالی مواجه کرده و اقتصاد شهرهای مذکور به صورت راکد در آمده و داد و ستد به حداقل رسیده و بدیهای شرکت به حدود ۸۶ میلیارد تومان رسیده که شرکت توان پرداخت آن را ندارد» نکته قابل توجه این است که این صنعت توانسته : « طی سالهای شکل گیری طرح های نیشکر و صنایع جانبی

اهواز، با توجه به بودجه های کلان مصرف شده برای نصب و راه اندازی آن کارخانه ها از مجموع در آمد سالانه کشت و صنعت هفت تپه، چیزی بالغ بر ۴۵ میلیارد تومان، جهت ترمیم بودجه ی صنایع مذکور به محاسبات خزانه دولت واریز کند. طبق محاسبات انجام شده، این صنعت توانسته تا کنون ۱۲ بار خود را مستهلک نموده و کلیه ی هزینه های متحمل شده را نیز جبران نماید» (نشریه راه آینده، کشت و صنعت هفت تپه در غرقاب شکر وارداتی، ش ۶ ، خرداد و تیر ۶۸ ، ص ۱۲) جالب است شرکتی که توانست در وقت دارایی و تولید انبوه خود، ۴۵ میلیارد تومان، پول به خزانه دولت واریز می کند و یا " حتی قسمتی از بودجه ی جنگ را فقط با فروش شکر تامین میکرد. امروز با وجود تولیدات دیگری مانند ملاس- گندم- جو و خوراک دام و شرورش ماهی و دام داری و گارداری و حتی مرکبات به روزی دچار شود که نتواند حقوق ۵۰۰۰ کارگر خود را بدهد ... " (ماخذ پیشین ، ص ۱۳) امروز ، کارفرما و دولت حامی آن ، شرکت را با بدهکار نشان دادن و اعلان اینکه بله " بدیهای شرکت به حدود ۸۶ میلیارد تومان رسیده که شرکت توان پرداخت آن را ندارد" خود را در برابر انتظارات و مطالبات و طرح خواسته های واقعی کارگران ، به دروغ با بدهکار معرفی کردن شرکت ، سرمایه ها شان را از تعرض کارگران دور نگاهدارند و با سرکوب خواسته های واقعی کارگران ، مانع پیشروی شان گردند.

پیش زمینه بحران موجود، چگونه فراهم آمد؟

بر کسی پوشیده نیست که کشت و صنعت هفت تپه، در سالهای اخیر همچون بخش های دیگر صنایع ، دچار بحران و فرسودگی شده و این بیش از هر چیز به نقش تخریبی عوامل سرمایه داری ایران و دولت حامی سرمایه مربوط است . با گسترش سیاست دولت در خصوصی سازیهای بخش های تولیدی ایران ، که کارگران در نامه شان به سازمان جهانی کار (آ.آ.ا.و) از آن با فرمول " با اجرای شتاب زده و غیرکارشناسی اصل ۴۴ و سیاستهای غلط دولت ... " یاد کرده اند . صنعت کارخانه ای و تولیدی نیشکر نیز طی یک دهه و بویژه سه، چهار سال اخیر به مانند سایر بخشهایی تولیدی به گل نشسته است. همچنین در سالهای اخیر، در برابر سوی مدیریت در انتخاب شیوه های موثر بهره وری و توسعه وانتصاب نابجای مدیران خودی، و گماشتن آنان در موقعیت های حساس شرکت، عدم استفاده از توان متخصصان و کارورزان ایرانی آشنا به امور این صنعت، همینطور عوامل اثرگذار طبیعی و جوی مانند گرما زدگی و سرمایزدگی محصول، آنهم محصولاتی که در اساس به مانند خود کارگران فاقد بیمه لازم بوده اند، صنعت مورد بحث ما را به وضعیتی کشاند که میزان تولید از ۵۰ در صد ظرفیت معمول ، پائین ترآمده و بحران را تشدید نموده است.

جدا از این، شکر تولید شده در سالهای اخیر، بدلیل ورود بیرویه شکر و پخش نشدن تولید داخلی ، در انبارها انباشته شده که همین بحران نقدینگی شرکت را نیز افزایش داده و به ادعای مدیریت موجود، "بدهی حدود ۸۶ میلیارد تومان " را بجا گذاشته است. نکته دیگر در برابر عمق افزایش بحران، ذکر این نکته است؛ در برابر انبار کردن شکر، قطع حمایت دولت در واگذاری سوبسید لازم و همینطور حذف تعرفه واردات شکر، شبکه عظیم برای سرازیر شدن در آمد های کلان به جیب تجار و حاجی بازاری های شکر خوار، واسطه های انگلی، مافیای آقازاده

ها، - ایضا به این مهم خواهم پرداخت - همه و همه به پتانسیلی تبدیل می گردند، که با ورود بیرویه شکر، ضربات جبران ناپذیری را به سیستم تولیدی و اقتصادی این صنعت وارد سازند که در نوع خود تا این لحظه ضربه کاری خود را وارد ساختند و شرکت را بدهکار و در معرض ورشکستگی مفرط قرار دادند!

عنصر دیگر در بازشناسی بحران این صنعت، طرح های مدیریت در چهارچوب سیاستهای دولت جمهوری اسلامی با بیکارسازی و اخراج های بیرویه و بویژه نقشه های حساب شده بازنشستگی زود هنگام که بیش از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ کارگر را طی سالهای اخیر شامل گردید، آینده بیش از ۵۰۰۰ کارگر رسمی را در ابهام فرو برده است. چرا که مسئله کارگران قراردادی و سیاست های رسمی وزارت کار محمد جهرمی، مبنی بر پذیرفتن رسمیت سیاست قراردادی کردن کارگران در واحد های تولیدی و صنعتی، فرصت لازم را به کارفرما داده است که کارگر رسمی معترض و اعتصابی را با تهدید به اخراج و بازنشستگی زود هنگام با نوعی وحشت روبرو سازد و با برانگیختن خشم خاموش کارگران گرسنه، آگاهانه پیشزمینه های بحران موجود را دامن زده و گسترده تر نمایند.

ورشکستگی صنعت نیشکر به مانند دیگر واحد های تولیدی، چگونه فراهم آمده است؟

تعطیلی برخی کارخانه ها به بهانه ورشکستگی کشانده شدن امر تولید آنها بوده است. این امر بیش از پیش به سیل بی رویه ورود کالاهای خارجی که خود از کارکرد جهانی سازی است، کالاهایی کشورهایی همچون: چین (کفش) ترکیه (پوشاک) گره (پتو)، آمریکای لاتین (شکر) در مجموع صنعت نساجی، کفاشی، سراجی، خیاطی و نیشکر را به نابودی کشانده است. با این نوع ورشکستگی، کارگران واحد های تولیدی نامبرده بیکار شده یا اخراج گردیدند. خود این امر از جمله موانع تشکل یابی کارگران بویژه در صنایع نامبرده است. اگر به تنها نمونه بخواهیم اشاره کنیم، می توان از صنعت نساجی یاد کرد. بر پایه داده های آماری، این صنعت پیش از انقلاب، در ایران و در سطوح واحدهای تولیدی نه صنایع خانه ای و پستوی انبارها (ساختن قالی و گلیم و غیره ...) صنعتی بود که در آن ۵۰۰ هزار نفر به کار اشتغال داشتند. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و تسلط بازار چپاولگر آفازاده ها بر اقتصاد ایران و با ورود سیل آسای منسوجات و عدم توجه به کشت پنبه و کتان، ما امروز شاهد سقوط و ورشکستگی اسفبار صنعت نساجی هستیم. مطبوعات ایران گاهها مجبور به ارائه آمار می گردند. بطوری که در همین امسال "روزنامه کارگزاران" اینگونه گزارش داده و نوشت: «واحدهای نساجی سمنان در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند.» به نوشته این روزنامه «برخی از مدیران و دست اندرکاران صنعت نساجی در استان سمنان، کمبود نقدینگی، واردات بی رویه پارچه و منسوجات، تعرفه های تعیین شده برای واردات مواد اولیه و فرسودگی دستگاهها و تجهیزات را از جمله مشکلات واحدهای نساجی می دانند.» (چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۶، روزنامه کارگزاران) چنین وضعی برای صنعت نساجی در سراسر کشور وجود دارد.

در این رابطه اگر بخواهیم از دلایل ورشکستگی و بیکاری فراوان کارگران صحبت کنیم. باید به نقش دولت از طریق عدم نظارت بر اسکله های ۶۸ گانه که بدون نظارت و دیگر سرپل های ورودی قاچاق، بدون هزینه گمرکی بر کالاو تسلط دلالان بزرگ و آقا زاده ها، شبکه های گروههای مافیایی ورود کالا، که خود باعث نوعی رقابت ارزان با کالای داخلی شده، بازارها را اشباع می سازد و باعث ورشکستگی و بیکاری کارگران از صنعت شده،

جذب فعالیت های انگلی از جمله دلالی ، دهها شغل کاذب دیگری گردند و بدین ترتیب آسیب های جبران ناپذیری را برپیکره تولید داخلی وارد می نماید.

در این میان کارفرما ها فرصت می یابند تا با انگیزه سود بیش تر و به بهانه ضرردهی، واحد های تولیدی خود را تعطیل کنند. کارگران را بیکار سازند و خود همه دارایی شان را در فروش ارز، بسازو بفروشی و برج سازی و وام ستانی از بانکها و... سرمایه گذاری در حوزه های دیگر از جمله بازار بورس بکار اندازند. این مصیبت خود از عوارض خصوصی سازی و جانبداری از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و ورفتن بسوی تجارت جهانی است که از سالهای پیش و بویژه از سال ۱۳۸۵، دامنگیر صنایع ما شده است...

نقش مافیای آفزاده ها در واردات شکر تا چه حد است؟

آمار ارائه شده در رابطه با صنعت قند و شکر سازی کشور از جانب خبرگزاری دولتی ایلنا ، چرایی بحران این صنعت و دلیل ورشکستگی آنرا تا حدی نشان می دهد . توجه کنیم ، خبرگزاری ایلنا گزارش کرده است : « با ورشکستگی اولین کارخانه نیشکر کشور ، ۱۲ هزار کارگر در آستانه بیکاری قرار دارند، به دلیل واردات بی رویه اولین کارخانه تولید شکر در حال ورشکستگی است. قیمت مصوب دولت برای شکر ۲۵۰ تومان است، اما در بازار حدود ۴۲۰ تومان به فروش می رسد این در حالیست که شکر وارداتی ۲۸۰ تومان است، اکنون قسمت اعظم شکر از طریق واردات تامین می شود. از اول سال، تا پایان دی ماه (۱۳۸۵) یک میلیون و ۸۸۴ هزار تن شکر وارد شده است. نیاز کشور به شکر سالیانه حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن است که با مجموعه ۷ کارخانه تولید شکر به غیر از کارخانجات قند، میزان تولید داخلی کمی بیش از ۸۰۰ هزار تن می شود و باید کمتر از ۴۰۰ هزار تن از خارج وارد کرد ولی در حال حاضر واردات بازار را تسخیر و تولید داخلی را ورشکسته کرده است.» نکته بسیار مهم در این گزارش، اظهارات یک مقام مسئول کارخانجات عظیم و استراتژیک کشت و صنعت کارون است که خاطر نشان ساخت: «شرکت کشت و صنعت کارون که وابسته به بانک کشاورزی است با بحران مالی مواجه شده و اکنون بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی دارد. ۱۲ هزار کارگر چند ماه است حقوق نگرفته اند. در سال های گذشته دولت با ما برای تامین شکر قراردادی می بست، بدین صورت که ۶۰ درصد تولید ما را دولت خریداری می کرد و ۴۰ درصد را در بازار می فروختیم، اما اکنون دولت حتی برای تامین شکر و توزیع آن از طریق کالا برگ هم از ما خرید نمی کند و نیاز خود را از طریق واردات تامین می کند...» (خبرگزاری کار ایران - ایلنا ۱۶ در تاریخ اسفند ماه ۱۳۸۵) فراتر از این اوضاع اینقدر بیخ پیدا کرده که به گزارش ایسنا ، موضوع توسط مجلسیان نیز مطرح شده است . از جمله ؛ رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، مهندس سید حسین هاشمی گفت: «در ۱۴ ماه گذشته بیش از ۳ میلیون تن شکر وارد شده است که این میزان، ما را از واردات ۶ سال آینده بی نیاز می کند. مقرر شده است که پس از توزیع حجم بالای شکر وارداتی، تعرفه های واردات این محصول افزایش یابد.» هاشمی ادامه داد: «واردات بی رویه ی شکر موجب شده است تا سطح زیر کشت چغندر قند تا ۳۰ درصد کاهش یابد.» وی اشاره کرد: «در حال حاضر سالانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن شکر در داخل

تولید می‌شود، که بر اساس قانون باید سالانه ۵۰۰ هزار تن شکر وارد کشور شود. این در حالی است که هم‌اکنون بیش از ۳ میلیون تن شکر وارد کشور شده که اختلالاتی را به این بخش وارد کرده است.» این اختلال به حدی است که به دلیل صدور بی‌رویه‌ی مجوز واردات شکر به ایران، هم‌اکنون انبارهای لازم برای ذخیره‌ی این میزان شکر وجود ندارد. در ادامه این خبر رسانی رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس افزود: «با توجه به این‌که ۳۵ کارخانه‌ی شکر به دلیل واردات در آستانه‌ی تعطیلی قرار دارند، بیش‌ترین صدمه واردات متوجه تولید و اشتغال است.» (خبرگزاری ایسنا، ۱۶ مهر ۱۳۸۶) در همین رابطه اوضاع وقتی وخیم می‌گردد که به گزارش خبرنگار داخلی مجلس، نماینده مجلس از جناح اقلیت، قدرت الله علیخانی، طی سخنانی در مجلس در انتقاد از واردات بی‌رویه شکر گفت: «واردات ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تنی شکر در حالیست که نیاز کشور دو میلیون تن است و حدود یک میلیون ۲۰۰ هزار تن آن در داخل تولید می‌شود.» وی افزود:

«یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن شکر را دولت وارد کرده و ۲ میلیون تن آن را نیز بخش خصوصی که هویتش مشخص نیست. ما خواهان این بودیم که مجلس با تحقیق و تفحص به این نتیجه برسد که حدود ۳۰۰ میلیارد تومان سود این واردات کجا رفته است.» (خبرنگار مجلس، ۱۸ مهر) وقتی دولتی چنین نقشی در خانه خرابی کارگران از خود بروز می‌دهد، طبیعی‌ایست که کارفرما نیز، راه پیشروی را بر روی کارگران، مطالبات و نیازمندیهای آنان می‌بندد و با نیروی ارتش و قوای ضد شورش همین دولت، به کارگران معترض یورش می‌برند. فعالان آن را دستگیر و به زندان می‌کشانند و به این ترتیب، بجای پاسخگویی به انتظارات و خواسته‌های کارگران، خود به گسترش بحران دامن می‌زنند.

پاسخ ما به این شعارچیست : کارگریم، کارگر؛ گرسنه ایم گرسنه؟!!

کارگران هفت تپه در دومین نامه‌ایکه به سازمان جهانی کار (آ.ال.او) ارسال داشتند؛ در ۶ بند، مطالبات ویژه خود را به این شکل قید کرده اند :

۵- اجرای مشاغل بندی پس از ۱۳ سال که هر ۴ سال یکبار باید مورد بازنگری قرار گیرد که متأسفانه مسکوت مانده است.

۶- رسمی کردن کارگران موقت .

۷- ارتقای شغلی کارگران شاغل.

۸- تشکیل سندیکای کارگری .

۹- واگذاری منازل شرکت که در اختیار نیروهای نظامی؛ اطلاعاتی، بانکی و آموزش و پرورش و دیگر ادارات دولتی است .

۱۰- پرداخت به موقع حقوق کارگران.

چه چیزی اهمیت این مطالبات را برجسته می کند؟ انعکاس پاره ی آمار در نشریات کشورما، مؤند این است که ما با رشد سرطانی نقدینه گی در کشوربا گرانی و تورم فزاینده ای در سراسر کشور روبرو هستیم . بطوری که ، روزنامه همبستگی در شماره روز چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۶ به نکته مهمی اشاره می کند. این روزنامه از نامه گروهی از نمایندگان مجلس ارتجاع به احمدی نژاد در مورد گرانی و تورم خبر داده و نوشته، « رشد افسارگسیخته نقدینگی در کشور که به گفته برخی اقتصاددانان رشد آن در دولت نهم دو برابر کل رشد نقدینگی از ابتدای خلق پول در کشور تا سال ۸۳ است، موج نگرانی را سبب شده است.» از این کلمات نباید به سادگی گذشت. طی دو سال، رشد نقدینگی دو برابر کل رشد نقدینگی از «ابتدای خلق پول در کشور تا سال ۸۳» بوده است. به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، روز سه شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۶، مرکز پژوهشهای مجلس رژیم اعلام کرده که: «در ادامه روند کنونی، رشد نقدینگی در سال جاری به ۲/۴۱ درصد و نرخ تورم به ۲۳/۴ درصد خواهد رسید..... رشد نقدینگی که در سال ۱۳۸۴ به ۳/۳۴ درصد رسیده بود در سال ۱۳۸۵ به ۳۷/۴ درصد و در سال ۱۳۸۶ به (۲/۴۱) درصد خواهد رسید..... مرکز پژوهشها همچنین نرخ تورم برای سالهای ۸۵ و ۸۶ را به ترتیب ۲۲/۴ و ۲۳/۴ درصد» اعلام کرده است. بیان ارائه همین آمار بدون کمترین تحلیلی ، نشانگر این است که اختاپوس نقدینگی ، خانه خرابی ، گرانی و فقر فزاینده ، بی حقوقی مطلق کارگران را شکل می دهد. کارگران از طبقه بندی مشاغل که از خواسته های معوقه شان طی ۱۳ سال به این طرف است یاد می کنند. در برابر بردگی کار قراردادی ، از رسمی کردن آنان صحبت می کنند . مسله بی مسکنی را با طرح واگذاری منازل شرکت که امروز به غلط در اختیار دیگران اعم از " نیروهای انتظامی - اطلاعاتی - بانکی و.... " است، خواستار می باشند. مسئله دریافت حقوق های معوقه و حقوق روزها و ساعات کاری را ، به موقع خواستار می باشند. و دیگر اینکه حقانیت مسئله تشکیل سندیکای مستقل کارگری خود را به زبان آوردند.

بر پایه اخبار رسیده از ایران، در روزهای گذشته فرماندارشهر و ساعدی نماینده مجلس از شوش در مصاحبه های که با رادیو و تلویزیون اعلام کردند: که خواسته های کارگران داده شد و امام جمعه شهر هم اعلام کرده که خواسته های آنها تا قبل از عید فطر داده خواهد شد. از طرف دیگر به کارگران اعلام کردند دادن خواسته شما منوط به برگشت به کار ، کارگران است.

همین کارگران در اعتراضات و تحصن های خیابانی به سریعترین بیان، رنج های نهفته در زندگی شان را با فریاد: ما گرسنه ایم ، گرسنه، بر زبان می رانند و از ما در سراسر جهان استمداد می طلبند.

چگونه می توان به این انتظار پاسخ گفت؟

در ایران تا امروز گسترده ترین پشتیبانی ها از جانب همه طبقه ی های شان در سطح کارگران ایران خودرو- کارگران سندیکای شرکت واحد- کمیته دفاع از محمود صالحی - کارگران و کارمندان کشت و صنعت کارون شوشتر- کارگران کارخانجات کاغذ پارس- کارگران و کشاورزان ساکن شوش، کارگران و کارمندان طرح شعبیه

شوستر، کارگران سازمان آب و برق خوزستان، کارگران و کارمندان مزارع طرحهای (دهخدا، امیرکبیر، میرزا، سلمان، فارابی، غزالی)، نورد لوله، صنایع فولاد، دانشگاه آزاد شوستر، دانشگاه آزاد دزفول، کارگران نواحی صنعتی اهواز، کارگران نواحی صنعتی شوستر، کارگران نواحی صنعتی دزفول و اندیمشک، کارگران راه آهن اندیمشک، کارگران شرکت ملی حفاری (اهواز - مسجد سلیمان)، کارگران شرکت ملی نفت (اهواز - مسجد سلیمان)، کارگران کاغذ سازی کارون شوستر، کارگران پالایشگاه آبادان، کارگران کارخانه های واحدهای صنعتی طرحهای توسعه نیشکر در خوزستان، سایت ها و وبلاگ های پُرشماری صورت گرفته است. در داخل کشور، کارگرانی که از تجمع و تحصن کارگران نیشکر تا حال پشتیبانی کرده اند، اعلام داشته اند: از دیگر کارگران و زحمتکشان واحدهای تولیدی و صنعتی استان می خواهیم در این شرایط سخت، کارگران نیشکر را تنها نگذارند. پیشتر کارگران سقز، دیروز کارگران سندیکای شرکت واحد تهران و حومه، امروز کارگران نیشکر هفت تپه و شوش و فردا نوبت سرکوب حقوق ما از طرف حکومت کارگر ستیز جمهوری اسلامی خواهد بود. پس با همه توان خویش به دفاع از همه طبقه ی های خود به پا خیزیم!

در خارج از کشور، اطلاعیه ها و بیانیه های چندی از جانب مدافعین کارگران، کانون های همبستگی با کارگران ایران، سازمان ها و احزاب اپوزیسیون در دفاع از مبارزات کارگران هفت تپه داده شده و روند خبر رسانی رادیو برابری، از وضعیت کارگران و تحصن و پیشروی کارگران، دستگیری ها و انتقارات کارگران از ما در خارج از کشور، موثر بوده است. طی همین هفته ضربآهنگ تحریکات خیابانی و شب های همبستگی و مراجعه به احزاب و سندیکاهای و نیروهای جامعه میزبان آغاز شده است. با این همه، این همه کار نیست.

ما که تجربه دو دهه کار در سطح جامعه میزبان را با خود داریم و در مقطع دستگیری فعالان سندیکای مستقل شرکت واحد (منصور اسانلو و دیگر فعالان سندیکا در دوره های مختلف و دستگیری محمود صالحی و فعالان سقز و سنندج) و سایر موارد با تدارک فراخوان ها و تحریکات گوناگون و از جمله یاری رسانی مالی، نقش خود را در امر دفاع از مبارزات و اعتصابات و محکومیت دستگیریها و صدور احکام سردمداران رژیم بر علیه کارگران سازمان داده ایم، امروز می باید چنین کنیم. کارگران و خانواده های آنان در ایران، به ما نیز چشم دوخته اند. بر ماست که کارزارهای زنجیره ای در دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه و مبارزات آنان را در خارج از کشور سازمان دهیم. فردا خیلی دیر است و زمان سکوت نیست!

امیر جواهری لنگرودی

amirjavahaeri@yahoo.com

مهر ۱۳۸۶ - اکتبر ۲۰۰۷